

The Role of Healthy Social Bonds in Enhancing Mental Health and Reducing the Tendency Toward Delinquency

Faezeh Salahi Abadi¹, Alireza Ghorbani*², Zahra Tajari Moazeni³

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: a.ghorbani@pnu.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Law, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

Received: 05 Jan 2024 **Revised:** 15 Apr 2024 **Accepted:** 11 May 2024 **Available Online:** 21 Jun 2025

Abstract: Normative social interactions, as one of the main pillars of social capital, play a crucial role in ensuring and enhancing mental health and can be considered an effective tool for social prevention of delinquency. These interactions create a sense of social belonging, strengthen human bonds, and increase mutual trust and cooperation, thereby providing a foundation for reducing psychological and social harms. This study, conducted using a descriptive-analytical method based on library research, aims to examine the link between healthy social interactions and the reduction of tendencies toward delinquent behaviors by utilizing social and psychological theories. Findings indicate that cohesive and supportive social relationships not only help reduce anxiety, depression, and feelings of loneliness but also directly prevent deviant and delinquent behaviors by strengthening internal behavioral control mechanisms and enhancing collective identity. This research also emphasizes that social control and differential association. Theories effectively explain the significance of the social environment and human relationships in the formation or prevention of delinquent behaviors. Consequently, designing and implementing social and criminal policies aimed at strengthening healthy social interactions, supporting families, teaching communication skills, and promoting civic engagement can be an effective step in enhancing mental health and reducing social crimes. These findings highlight the necessity of considering social capital as a key tool in social prevention policymaking against delinquency.

Keywords: Social Interaction, Mental Health, Crime Prevention, Social Capital, Delinquency.

Please Cite This Article As: Salahiabadi, F; Ghorbani, A & Tajari Moazeni, Z (2025). "The Role of Healthy Social Bonds in Enhancing Mental Health and Reducing the Tendency Toward Delinquency". *Iranian Health System Law*, 1(2): 75-82.

Copyright

This is an open access article distributed under CC BY 4.0 License.

© 2025 The Authors.

نقش پیوندهای اجتماعی سالم در تقویت سلامت روان و کاهش کرایش به بزهکاری

فائزه صلاحی ابدی^۱، علیرضا قربانی^{۲*}، زهرا تجری مؤذنی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۲. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: a.ghorbani@pnu.ac.ir

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

چکیده:

تعاملات اجتماعی بهنجار، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی سرمایه اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین و ارتقای سلامت روان ایفا کرده و می‌تواند به‌عنوان ابزاری اثربخش در پیشگیری اجتماعی از بزهکاری مورد توجه قرار گیرد. این نوع تعاملات، با ایجاد حس تعلق اجتماعی، تقویت پیوندهای انسانی، و افزایش اعتماد و همکاری متقابل، بستری برای کاهش آسیب‌های روانی و اجتماعی فراهم می‌کنند. پژوهش حاضر، که به روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است، تلاش دارد تا با بهره‌گیری از نظریه‌های اجتماعی و روان‌شناختی، پیوند میان تعاملات اجتماعی سالم و کاهش گرایش به رفتارهای بزهکارانه را بررسی کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که روابط اجتماعی منسجم و حمایت‌گر، نه تنها به کاهش اضطراب، افسردگی، و احساس تنهایی کمک می‌کند، بلکه با تقویت سازوکارهای درونی کنترل رفتار و ارتقای هویت جمعی، به‌طور مستقیم در جلوگیری از بروز رفتارهای انحرافی و بزهکارانه نقش دارد. این پژوهش همچنین تأکید می‌کند که نظریه‌های کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی، اهمیت محیط اجتماعی و روابط انسانی را در شکل‌گیری یا پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه به‌خوبی تبیین می‌کنند. در نتیجه، طراحی و اجرای سیاست‌های اجتماعی و کیفری مبتنی بر تقویت تعاملات اجتماعی سالم، حمایت از خانواده‌ها، آموزش مهارت‌های ارتباطی، و توسعه مشارکت مدنی می‌تواند گامی مؤثر در ارتقای سلامت روان و کاهش جرایم اجتماعی باشد. این یافته‌ها بر ضرورت توجه به سرمایه اجتماعی به‌عنوان ابزاری کلیدی در سیاست‌گذاری‌های پیشگیری اجتماعی از بزهکاری تأکید دارند.

کلمات کلیدی: تعامل اجتماعی، سلامت روان، پیشگیری از جرم، سرمایه اجتماعی، بزهکاری.

مقدمه

یکی از چالش‌های اساسی جوامع معاصر، افزایش اختلالات روانی و بروز رفتارهای ناسازگارانه و بزهکارانه در نتیجه ضعف در روابط اجتماعی است. تعامل اجتماعی، به‌عنوان جوهره زندگی انسانی، اگر در مسیر بهنجار و سازنده هدایت شود، می‌تواند نقش مؤثری در تثبیت سلامت روان و جلوگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی ایفا کند. در مقابل، انزوای اجتماعی، گسست روابط انسانی، و ناتوانی در برقراری تعامل مؤثر، از جمله عواملی هستند که سلامت روان افراد را تهدید کرده و می‌توانند زمینه‌ساز بروز بزهکاری شوند. این مقاله با رویکردی کتابخانه‌ای، به تبیین نقش تعاملات اجتماعی بهنجار در تقویت سلامت روان و در نتیجه کاهش گرایش به رفتارهای بزهکارانه می‌پردازد. هدف، بررسی زمینه‌های نظری، تحلیل یافته‌های موجود، و ارائه راهکارهایی در حوزه پیشگیری اجتماعی از جرم است (رفیع‌پور، ۱۳۸۳). بنابراین در دنیای امروز، جوامع با پیچیدگی روزافزون روابط انسانی و افزایش تنش‌های اجتماعی و روانی مواجه‌اند. یکی از مسائل مهمی که سلامت روان و امنیت اجتماعی را به چالش می‌کشد، افزایش رفتارهای بزهکارانه است که اغلب ریشه در ضعف پیوندهای اجتماعی و انزوای افراد دارد. تعاملات اجتماعی، اگر به‌درستی شکل بگیرند و بر پایه اصول اخلاقی و هنجارهای اجتماعی پایدار باشند،

می‌توانند به‌عنوان یک سپر محافظ در برابر بسیاری از آسیب‌های روانی و اجتماعی عمل کنند. ارتباطات انسانی، به‌ویژه در قالب تعاملات اجتماعی بهنجار، نقشی چندبعدی در رشد شخصیت، تقویت هویت اجتماعی، و کاهش رفتارهای پرخطر ایفا می‌کنند. در این میان، سرمایه اجتماعی، که شامل اعتماد، شبکه‌های اجتماعی، و هنجارهای مشترک است (حسینی، ۱۳۹۷)، به‌عنوان یکی از مولفه‌های کلیدی اثرگذار بر کیفیت تعاملات انسانی در جامعه شناخته می‌شود. این سرمایه، زمینه‌ساز ایجاد حس تعلق، تقویت انسجام اجتماعی، و کاهش رفتارهای ناسازگارانه است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا با بررسی مطالعات موجود و تحلیل نظریه‌های مرتبط، تأثیر تعاملات اجتماعی بهنجار بر سلامت روان و پیشگیری از بزهکاری را روشن سازد. همچنین، به نقش سیاست‌گذاری اجتماعی در ایجاد بسترهایی برای ارتقای این تعاملات می‌پردازد.

۱- تعامل اجتماعی بهنجار

تعامل اجتماعی بهنجار به روابط انسانی‌ای اشاره دارد که مبتنی بر احترام متقابل، همکاری، اعتماد، و هنجارهای پذیرفته‌شده اجتماعی باشد. این تعاملات، بستر شکل‌گیری نظم اجتماعی و رشد فردی را فراهم می‌کنند. براساس نظریه‌های پاتنام و کلمن، تعامل اجتماعی بخش مهمی از سرمایه اجتماعی است و تقویت آن منجر به انسجام و کنترل اجتماعی می‌شود. تعامل اجتماعی بهنجار، مفهومی است که از تعاملات انسانی مبتنی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های فرهنگی ناشی می‌شود (باقری و شجاعی، ۱۳۹۹). این نوع تعاملات، نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح کلان اجتماعی نیز نقش بسزایی در حفظ نظم و انسجام ایفا می‌کنند. براساس نظریه «اعتماد اجتماعی» پاتنام، جوامعی که روابط اجتماعی سالم‌تر و مبتنی بر اعتماد دارند، نرخ پایین‌تری از جرم و بزهکاری را تجربه می‌کنند.

مطالعات همچنین نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی بهنجار، با ایجاد حس تعهد و مسؤلیت‌پذیری در افراد، از بروز انحرافات اجتماعی جلوگیری می‌کند. این نوع تعاملات، در بستری از احترام متقابل و همکاری شکل می‌گیرد و می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای غیررسمی پیشگیری از جرم ایفای نقش کند.

تعامل اجتماعی بهنجار یکی از اجزای اصلی سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی، به گفته رابرت پاتنام، شامل شبکه‌های اجتماعی، اعتماد متقابل، و هنجارهای مشارکتی است که به تقویت انسجام اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی کمک می‌کنند. تعاملات اجتماعی منسجم، که بر پایه احترام متقابل، همکاری، و اعتماد شکل می‌گیرند، بستری برای تحقق سرمایه اجتماعی هستند و به‌طور مستقیم با کاهش بزهکاری و ارتقای سلامت روان مرتبط‌اند.

براساس دیدگاه پاتنام، جوامعی که از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند، نرخ پایین‌تری از جرم و انحرافات اجتماعی را تجربه می‌کنند. دلیل این امر، وجود پیوندهای اجتماعی قوی، نظارت غیررسمی اجتماعی، و حمایت عاطفی میان افراد است (حسینی، ۱۳۹۷).

در جوامعی که تعاملات اجتماعی بهنجار و سرمایه اجتماعی تقویت شده است، افراد احساس تعلق بیشتری به اجتماع دارند و کمتر به رفتارهای ناسازگارانه گرایش پیدا می‌کنند. برای مثال، در محله‌هایی که مردم روابط صمیمانه‌تری با همسایگان خود دارند و دارای شبکه‌های حمایتی قوی هستند، نرخ بزهکاری بسیار پایین‌تر است. در نتیجه، تعامل اجتماعی بهنجار، به‌عنوان یکی از ارکان سرمایه اجتماعی، می‌تواند تأثیر مستقیم بر کاهش جرایم و ارتقای سلامت روان داشته باشد (کریمی، ۱۳۹۶). بنابراین، سیاست‌های اجتماعی باید بر تقویت این‌گونه تعاملات و افزایش سرمایه اجتماعی متمرکز شوند.

۲- سلامت روان

سلامت روان نه تنها فقدان اختلالات روانی، بلکه برخورداری از رفاه عاطفی، توانمندی مقابله با استرس، و کارکرد مؤثر اجتماعی است. طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت (WHO)، افراد دارای سلامت روان قادر به تحقق توانایی‌های بالقوه خود و ایفای نقش سازنده در جامعه هستند. سلامت روان به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی کیفیت زندگی، تأثیر عمیقی از روابط اجتماعی می‌پذیرد (عزیزی، ۱۴۰۰؛ مرادی، ۱۳۹۸). افراد دارای سلامت روان معمولاً در تعاملات اجتماعی خود موفق‌تر بوده و در مواجهه با چالش‌های زندگی، استرس کمتری را تجربه می‌کنند. از سوی دیگر، اختلالات روانی همچون افسردگی و اضطراب، اغلب با انزوای اجتماعی و گسست روابط انسانی مرتبط است. در نظریه «رفاه ذهنی» داینر، سلامت روان به‌عنوان ترکیبی از احساس شادی، رضایت از زندگی، و کیفیت روابط اجتماعی تعریف می‌شود. بنابراین، جامعه‌ای با تعاملات اجتماعی قوی‌تر، محیطی مناسب‌تر برای تقویت سلامت روان فراهم می‌آورد. (رفیع‌پور، ۱۳۸۳).

سلامت روان، براساس تعریف سازمان جهانی بهداشت (WHO)، تنها به فقدان بیماری‌های روانی محدود نمی‌شود، بلکه شامل توانایی افراد در مقابله با استرس‌ها، مشارکت مؤثر در جامعه، و احساس رفاه روانی است. روابط اجتماعی پایدار و حمایت‌گر نقش کلیدی در تحقق این ابعاد دارند. طبق نظریه «حمایت اجتماعی»، احساس تعلق به یک گروه یا شبکه اجتماعی، احساس ارزشمندی و کاهش استرس را تقویت می‌کند. افراد منزوی و بدون روابط اجتماعی پایدار معمولاً بیش از سایرین در معرض خطر افسردگی، اضطراب، و سایر اختلالات روانی قرار می‌گیرند (سلیمی، ۱۳۹۰).

مطالعات نشان می‌دهند که افراد دارای شبکه‌های اجتماعی قوی‌تر، در برابر بحران‌های زندگی، مانند از دست دادن شغل یا فقدان عزیزان، تاب‌آوری بیشتری از خود نشان می‌دهند. این افراد کمتر دچار احساس تنهایی و انزوا می‌شوند که یکی از عوامل اصلی اختلالات روانی است. در نتیجه، سلامت روان و روابط اجتماعی پایدار به‌طور متقابل بر یکدیگر اثر می‌گذارند. (ممتاز، ۱۳۸۵) بدون وجود روابط اجتماعی معنادار، سلامت روان افراد به خطر می‌افتد. بنابراین، تقویت روابط اجتماعی باید بخشی از راهبردهای پیشگیرانه در حوزه سلامت روان باشد.

۳- رفتارهای بزهکارانه و نظریه‌های پیشگیری

رفتار بزهکارانه، رفتاری است که با هنجارها و قوانین جامعه در تعارض بوده و ممکن است منجر به مداخله نظام کیفری شود. نظریه‌های پیشگیری اجتماعی، از جمله نظریه کنترل اجتماعی (هیرشی) و نظریه پیوند افتراقی (ساترلند)، بر نقش محیط اجتماعی و روابط انسانی در پیشگیری از جرم تأکید دارند. رفتارهای بزهکارانه معمولاً در نتیجه تعامل مجموعه‌ای از عوامل فردی، خانوادگی، و اجتماعی به وجود می‌آیند. نظریه کنترل اجتماعی هیرشی بیان می‌کند که پیوندهای قوی فرد با اجتماع، خانواده، و نهادهای آموزشی، نقش مؤثری در پیشگیری از رفتارهای انحرافی دارد. همچنین، نظریه پیوند افتراقی ساترلند تأکید می‌کند که یادگیری رفتارهای بزهکارانه اغلب در محیط‌های اجتماعی ناسالم و از طریق تعامل با دیگران رخ می‌دهد (بشیری، ۱۳۹۲). بنابراین، تقویت تعاملات اجتماعی سالم می‌تواند از این فرآیند جلوگیری کند.

۴- تعامل اجتماعی و سلامت روان

مطالعات نشان می‌دهد افرادی که از حمایت اجتماعی کافی برخوردارند، کمتر دچار افسردگی، اضطراب و اختلالات روانی می‌شوند. (قادری و هاشمی، ۱۳۹۵) تعامل مثبت با دیگران، احساس ارزشمندی و تعلق اجتماعی را افزایش داده و موجب تقویت خودکارآمدی روانی می‌گردد. در مقابل، انزوا، طرد اجتماعی، و فقر روابط عاطفی می‌تواند موجب اختلالات روانی و گرایش به رفتارهای ناسالم شود. تعاملات سازنده همچنین موجب تقویت تاب‌آوری در برابر مشکلات و استرس‌های زندگی می‌شود (فدوی، ۱۳۹۴). ارتباط میان تعامل اجتماعی و سلامت روان، یکی از موضوعات مورد تأکید در روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی است. تعاملات اجتماعی سالم، با ایجاد حس امنیت روانی و کاهش استرس، به افزایش کیفیت زندگی افراد کمک می‌کند. در مقابل، انزوا و طرد اجتماعی می‌تواند پیامدهای منفی جدی، از جمله افسردگی و احساس ناتوانی، به دنبال داشته باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده سلامت روان

است. برای مثال، افراد دارای شبکه‌های اجتماعی گسترده‌تر، کمتر در معرض خطر بیماری‌های روانی قرار می‌گیرند. همچنین، روابط اجتماعی منسجم می‌تواند در کاهش آثار منفی بحران‌های زندگی، همچون از دست دادن شغل یا بیماری، مؤثر باشد. (کریمی، ۱۳۹۶).

مطالعات اخیر همچنین به نقش تعاملات اجتماعی در کاهش اضطراب و افزایش تاب‌آوری روانی پرداخته‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که تعاملات مثبت، با تقویت احساس ارزشمندی و احترام به خود، نقش مهمی در مقابله با اختلالات روانی ایفا می‌کنند.

۵- تعامل اجتماعی بهنجار و پیشگیری از گرایش به بزهکاری

روابط اجتماعی منسجم موجب شکل‌گیری سازوکارهای نظارتی غیررسمی در جامعه می‌شود. نوجوانان و جوانانی که در خانواده، مدرسه و محله‌های اجتماعی خود روابط مثبت و منسجم دارند، کمتر به سمت بزهکاری کشیده می‌شوند. مطالعات متعددی در ایران و جهان تأیید می‌کند که تقویت روابط خانوادگی، مشارکت اجتماعی، و حس تعلق به گروه، نقش مؤثری در کاهش خشونت، اعتیاد، سرقت و جرایم دیگر دارد. بنابراین، می‌توان تعامل اجتماعی بهنجار را یک عامل پیشگیرانه سطح اول در سیاست‌گذاری کیفری دانست. نقش تعاملات اجتماعی بهنجار در پیشگیری از بزهکاری، در بسیاری از نظریه‌ها و تحقیقات تأیید شده است. یکی از دلایل اصلی گرایش به بزهکاری، احساس انزوا و طرد اجتماعی است. افرادی که در محیط‌های اجتماعی سالم و حمایتی زندگی می‌کنند، (عزیزی، ۱۴۰۰) کمتر به رفتارهای پرخطر مانند خشونت، اعتیاد، یا سرقت روی می‌آورند. برای مثال، خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، نقش مهمی در شکل‌دهی شخصیت و هویت فرد دارد. کودکانی که در خانواده‌هایی با تعاملات مثبت و سازنده پرورش می‌یابند، (قادری و هاشمی، ۱۳۹۵) معمولاً ارزش‌های اخلاقی قوی‌تری را کسب کرده و در برابر فشارهای محیطی مقاومت بیشتری نشان می‌دهند. علاوه بر این، محیط‌های اجتماعی مانند مدارس، محل‌های کار، و جوامع محلی نیز می‌توانند با ایجاد حس تعلق و مشارکت، افراد را از مسیرهای بزهکاری منحرف کنند. برنامه‌های اجتماعی مبتنی بر مشارکت مدنی، آموزش مهارت‌های زندگی، و تقویت هنجارهای اخلاقی، از جمله راهکارهای مؤثر در این زمینه هستند.

۶- نظریه‌های پیشگیری اجتماعی و تبیین اهمیت تعاملات انسانی

نظریه‌های پیشگیری اجتماعی تأکید می‌کنند که بسیاری از رفتارهای بزهکارانه ریشه در کیفیت پایین روابط اجتماعی و ضعف پیوندهای انسانی دارند. دو نظریه برجسته در این زمینه عبارت‌اند از:

۱-۶- نظریه کنترل اجتماعی (هیرشی)

هیرشی معتقد است که پیوندهای اجتماعی قوی، از جمله روابط خانوادگی، دوستی، و عضویت در گروه‌های اجتماعی، افراد را از انجام رفتارهای انحرافی باز می‌دارد. این پیوندها حس تعهد و مسؤولیت‌پذیری را تقویت کرده و افراد را به هنجارهای اجتماعی پایبند می‌کند (سلیمی، ۱۳۹۰).

۶-۲- نظریه پیوند افتراقی (ساترلند)

ساترلند بیان می‌کند که رفتارهای بزهکارانه از طریق تعامل با دیگران و یادگیری ارزش‌ها و هنجارهای غیرقانونی شکل می‌گیرند. (مرادی، ۱۳۹۸) بنابراین، محیط اجتماعی که فرد در آن رشد می‌کند، نقشی تعیین‌کننده در رفتارهای او دارد. تعاملات اجتماعی بهنجار می‌توانند با ارائه الگوهای مثبت، از این فرآیند جلوگیری کنند. (موسوی، ۱۳۹۹؛ عزیزی، ۱۴۰۰) این نظریه‌ها نشان می‌دهند که کیفیت تعاملات انسانی چگونه می‌تواند به‌عنوان عاملی بازدارنده یا تسهیل‌کننده برای بزهکاری عمل کند. برای مثال، نوجوانانی که در خانواده‌های حمایت‌گر و دارای تعاملات مثبت زندگی می‌کنند، کمتر به سمت رفتارهای پرخطر مانند اعتیاد یا خشونت گرایش پیدا می‌کنند. در نتیجه، نظریه‌های پیشگیری اجتماعی اهمیت تعاملات انسانی را به‌عنوان ابزاری برای کاهش جرم و ارتقای سلامت اجتماعی برجسته می‌کنند. سیاست‌گذاران باید با تقویت محیط‌های اجتماعی سالم، از شکل‌گیری رفتارهای بزهکارانه جلوگیری کنند.

۷- نقش خانواده در تقویت تعاملات اجتماعی

نقش خانواده در تقویت تعاملات اجتماعی به‌طور قابل توجهی حائز اهمیت است و می‌توان آن را در چندین حوزه کلیدی تحلیل کرد:

۷-۱- ایجاد حس تعلق

خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی، حس تعلق را در اعضا ایجاد می‌کند. این احساس تعلق، افراد را به هم نزدیک‌تر می‌کند و باعث می‌شود که آنها خود را بخشی از یک کل بزرگتر بدانند.

۷-۲- انتقال ارزش‌ها و هنجارها

خانواده‌ها با انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی به فرزندان، نقش اساسی در شکل‌گیری هویت اجتماعی آنها ایفا می‌کنند. این ارزش‌ها می‌توانند شامل احترام به دیگران، همکاری و مسؤولیت‌پذیری باشند.

۷-۳- تثبیت ارتباطات اجتماعی

خانواده‌ها با فراهم آوردن فرصت‌هایی برای تعاملات اجتماعی، مانند گردهمایی‌ها و مراسم‌های خانوادگی، به تقویت روابط اجتماعی فرزندان کمک می‌کنند. این تعاملات می‌تواند به توسعه مهارت‌های اجتماعی و افزایش اعتماد به نفس منجر شود.

۷-۴- حمایت عاطفی

حمایت عاطفی و روانی که اعضای خانواده به یکدیگر ارائه می‌دهند، به تقویت هویت اجتماعی کمک می‌کند. افرادی که در خانواده‌های حمایت‌گر بزرگ می‌شوند، معمولاً احساس ارزشمندی و اعتماد به نفس بیشتری دارند.

۷-۵- مدل‌سازی رفتار

خانواده‌ها به‌عنوان الگوهای رفتاری، از طریق تعاملات خود، به فرزندان نشان می‌دهند که چگونه باید با دیگران ارتباط برقرار کنند. رفتارهای مثبت مانند همدلی، همکاری و احترام می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بر هویت اجتماعی فرزندان تأثیر بگذارد.

خانواده‌ها با تقویت حس تعلق، انتقال ارزش‌ها، ایجاد ارتباطات اجتماعی و حمایت عاطفی، نقش اساسی در شکل‌گیری و تقویت هویت اجتماعی دارند. این هویت اجتماعی قوی می‌تواند به پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه و ارتقای سلامت روان کمک کند.

۸- نظریه پیشنهادی: مدل تعاملات اجتماعی و پیشگیری از بزهکاری

این مدل شامل چندین محور است:

- **تقویت هویت اجتماعی:** ایجاد و تقویت هویت اجتماعی از طریق تعاملات مثبت می‌تواند احساس تعلق و مسؤولیت‌پذیری را در افراد افزایش دهد. افرادی که هویت قوی‌تری دارند، معمولاً کمتر به سمت رفتارهای بزهکارانه گرایش پیدا می‌کنند.

- **پیشگیری از انزوا:** تعاملات اجتماعی بهنجار می‌توانند احساس انزوا را کاهش دهند و به افراد کمک کنند تا از حمایت‌های اجتماعی برخوردار شوند. این امر به‌ویژه در جوانان و نوجوانان می‌تواند از بروز رفتارهای پرخطر جلوگیری کند.

- **ایجاد شبکه‌های حمایتی:** شبکه‌های اجتماعی مؤثر می‌توانند به‌عنوان حفاظی در برابر فشارهای اجتماعی عمل کنند. این شبکه‌ها می‌توانند به افراد کمک کنند تا در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات، تاب‌آوری بیشتری داشته باشند. با توجه به یافته‌های مقاله و نظریه‌های اجتماعی و روان‌شناختی، تأکید بر تعاملات اجتماعی بهنجار می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در پیشگیری از بزهکاری و ارتقای سلامت روان مورد استفاده قرار گیرد. این رویکرد می‌تواند به طراحی سیاست‌های اجتماعی مؤثرتری منجر شود که به‌طور همزمان بر تقویت سرمایه اجتماعی و کاهش رفتارهای انحرافی تمرکز دارد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تعامل اجتماعی بهنجار، از طریق تقویت سلامت روان و ارتقای حس تعلق اجتماعی، می‌تواند نقش چشم‌گیری در کاهش رفتارهای بزهکارانه ایفا کند. این یافته بر ضرورت طراحی سیاست‌های اجتماعی مبتنی بر حمایت از نهادهای اجتماعی، آموزش مهارت‌های ارتباطی، توسعه مشارکت مدنی و تقویت سرمایه اجتماعی تأکید دارد. پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران حوزه پیشگیری از جرم و سلامت روان، به‌صورت هم‌زمان و هماهنگ، در جهت ارتقاء تعاملات اجتماعی سالم در جامعه گام بردارند. تعاملات اجتماعی بهنجار، می‌تواند از طریق تقویت سلامت روان و ایجاد حس تعلق، به کاهش رفتارهای بزهکارانه کمک کند. این یافته‌ها بر ضرورت طراحی سیاست‌های اجتماعی مبتنی بر تقویت خانواده، آموزش مهارت‌های ارتباطی، و توسعه مشارکت مدنی تأکید دارند.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به انجام پژوهش رعایت شده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از همه کسانی که در بازخوانی و ویرایش اثر همیاری و راهنمایی داشتند، قدردانی و تشکر می‌گردد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- باقری، زهرا و شجاعی، معصومه (۱۳۹۹). «پیوندهای اجتماعی و تأثیر آن بر سلامت روان بانوان». *نشریه روان‌شناسی سلامت*، ۸ (۲): ۷۸-۹۳.
- حسینی، سید محمد (۱۳۹۷). *بهداشت روانی با رویکرد اسلامی*. چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۳). *توسعه و تضاد*. چاپ چهارم، تهران: شرکت کیهان.
- سلیمی، محمد (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*. چاپ دوم، تهران: سمت.
- عزیزی، سارا (۱۴۰۰). *بررسی اثرات حمایت اجتماعی بر سلامت روان دانشجویان مجرد و متأهل*. به راهنمایی دکتر مریم احمدی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- فدوی، مهدی (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و گرایش به جرم در بین جوانان». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۶ (۴): ۱۱۲-۱۳۱.
- قادری، علی و هاشمی، رضا (۱۳۹۵). «تأثیر تعاملات اجتماعی بر کاهش گرایش به انحرافات اجتماعی». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۷ (۱): ۳۱-۵۶.

- کریمی، نسربین (۱۳۹۶). نقش خانواده و دوستان در پیشگیری از گرایش به مواد مخدر و بزهکاری در جوانان. به راهنمایی دکتر رضا سلطانی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- مرادی، نرگس (۱۳۹۸). مطالعه جامعه‌شناختی نقش انسجام اجتماعی در کاهش جرم در محلات شهری. به راهنمایی دکتر جواد صالحی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ممتاز، جعفر (۱۳۸۵). روان‌شناسی اجتماعی. چاپ نخست، تهران: بعثت.
- موسوی، زهرا (۱۳۹۹). تأثیر همبستگی اجتماعی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای. به راهنمایی دکتر حسین خادمی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.